

از من فقط سراغ عقاب‌ها را بگیر!



عزت‌الله موحدام
نویسنده

عینک کائوچویی؛ کله صبح که بیدار می‌شوی موهایت راژولی پولی کن؛ قهوه‌یادت نرود؛ همیشه نزدیک کیبورد نگهش دار و تلک‌تلک‌آزش عکس بگیر؛ سیگار که اصلا اصل کار است؛ هرجا بودی مهی راه بینداز که مردم خفه شوند؛ کاری کن بوی تلخ توتون از ده‌متری هم حلقشان را بسوزاند؛ کلاه خاخامی را با عینک گرد ست کن و به جای مشق نوشتن روی روایت کار کن؛ کسانی را پیدا کن که واسطه چاپ شدن خزعلاتت شوند؛ در عکس‌ها به دوربین نگاه نکن؛ از سایه‌ات روی دیوار عکس بگیر؛ همیشه با همه‌شان مخالفت کن. تمام! تو یک نویسنده‌ای! ولی مسئله دقیقاً چیز دیگری است؛ اینکه روح یک نویسنده تشنه چه چیزی است و از کدام چشمه تغذیه می‌کند. اصلاً مراقبت از سلیقه چه معنایی دارد. باید کتاب‌هایشان را بخوانید و ببینید در بزنگاه‌ها چه کرده‌اند. وقتی می‌خواهند حرکت باظرافت یک شخصیت را توصیف کنند از چه راهی می‌روند. مثلاً تصور کنید؛ «پدرو پارامو» در ابتدا یک داستان خطی حدود ۴۰۰ صفحه‌ای بوده است؛ اما چه شد که خوان رولفوی دیوانه تصمیم گرفت کتاب را از قناره اویزان کند و طوری به جانش بیفتد و سلاخی‌اش کند که تبدیل شود به ابینی که الان هست. کتابی درهم‌وبرهم و گیج‌کننده که زمان در آن مثل نخ کاموا پس‌وپیش می‌شود و ریس‌ای درهم‌تنیده است. آن‌هم در حجمی حدود ۱۵۰ صفحه؟!



من هم سال‌های زیادی است که با خودم فکر می‌کنم این نویسنده دیوانه چطور توانسته ۲۵۰ صفحه از رمان نازنینش را که جزو شاهکارهای تاریخ است این چنین حذف کند و دور بیندازد. کتاب‌هایی که می‌خوانید باید چنین هیولاهایی باشند. نه کتاب‌های آیکی و نخ‌نما که نویسنده‌های لوس می‌نویسند. نویسنده‌ای را که از قهوه‌اش عکس می‌گذارد توی اینستا و با افتخار سبک زندگی نُتُرش رایه‌رخ می‌کشد سریع دور بیندازید! بعید است از چنین آدمی چیز درست‌درمانی نصیبتان شود.

در عوض، بروید سراغ کسی مثل همینگوی که روزی تصمیم گرفت نویسنده شود و متوجه شد که برای نویسنده شدن باید تجربه زندگی داشته باشد و بعد از دودوتا‌چهارتا‌ی عجیبش قهמיד که برای کسب این تجربه باید برود جنگ. همین قدر ساده. نزدیک بود چند بار بمیرد. ولی خب چند بار شدید مجروح شد. این‌ها کسانی هستند که با استخوان و گوشت‌نشان بهای نویسنده شدن را پرداخته‌اند. شما قمار است با پای پای‌ان‌ها بگذارید. وگرنه ادای نویسنده‌ها را درآوردن و شامورنی بازی که کاری ندارد!

اما کو آن ازده‌هایی که بر کوهستان‌ها حکم می‌رانند؟! به طرز عجیبی، سلیقه و روحیات ما خبرگرفته است. کافی است یک مدت کوتاه با آدم‌های سطحی بگردیم و وقت خودمان را عین همان‌ها بگذرانیم. مدت زیادی طول نمی‌کشد که می‌بینیم دلخواه‌هایمان تغییر شکل داده‌اند و ما هم شبیه همان آدم‌های سطحی شده‌ایم. و با برعکس. پس این یعنی من که می‌خواهم داستان‌نویس شوم باید برنامه غذایی درستی برای دهنم داشته باشم. وگرنه همه چیز به سادگی تمام می‌تواند از کنترل خارج شود و ما را به مسیری ببرد که اصلاً خوش نداریم.

یک نکته دیگر هم هست. بگذارید با عدد و رقم برایتان بگویم؛ اگر فرض کنیم هفته‌ای یک کتاب می‌خوانید. از «میرا» که به ۱۰۰ صفحه هم نمی‌رسد بگذرید تا «در جستجوی زمان از دست‌رفته» که لعنتی هفت جلد قطور است. در سال می‌شود چندتا؟ هر سال تقریباً ۵۰ هفته دارد؛ می‌شود سالی ۵۰ کتاب. حالا بیایید تصور کنیم که قرار است ۱۰۰ سال عمر کنید. در کل زندگی‌تان، کلاً ۵۰۰۰ جلد کتاب می‌خوانید. آن‌هم با مطالعه بدون وقفه و بدون محدودیت. از بدو تولد؛ ولی تا همین لحظه بشر خیلی بیشتر از این‌ها کتاب خوب و شاهکار تولید کرده است. این یعنی، اگر طبق فرضیات بالا تمام عمرمان کتاب‌های شاهکار و خوب و مفید بخوانیم، هم باز کم می‌آوریم.

ولی، با وجود این، اکثر کسانی که سودای نویسنده شدن دارند، با شلختگی ویی دقتی تمام کتاب‌هایشان را انتخاب می‌کنند. یک جور مسیر و طریق الاختگی و یلخی که باعث می‌شود تعداد بی‌شماری کتاب به درد نخور و ضعیف بخوانند و طبق صحبت‌هایی که قبلاً داشتیم این قضیه با آدم‌کاری می‌کند که به مرور سلیقه اشغالی پیدا کند. پس نکته طلایی امروز در یک جمله خلاصه می‌شود: «فقط و فقط شاهکار بخوانید!» کتاب‌های خوب را حتی اگر سخت‌خوان هستند. بخوانید و باز بخوانید و آن قدر به آن‌ها فکر کنید که بتوانید تمام اجزایشان را هضم کنید. همین چیزهاست که چوب خشکی را تبدیل به ازدها می‌کند.

برای این کار، فهرست بلندبالایی تهیه کنید. حالا که اطلاعات این قدر ساده در دسترس است؛ سیاه‌های متعددی از کتاب‌های شاهکار را فهرست کنید. این‌ها کمکتان می‌کند که خودتان را با دیواری از الماس محاصره کنید. اما با تلنبار هراس‌آور اطلاعات دنیا می‌خواهید چه‌کار کنید؟! انگار در کوهی از زیاده بخواهیم دنبال رگه‌های طلا بگردیم! با میلیون‌ها کتابی که می‌شود خواند باید چه‌کار کرد؟! کدام را بخوانم و کدام‌ها را ناخوانده رها کنم؟! باید از بین این جهان بی‌انتهای کتاب راه شیری خودمان را پیدا کنیم. با احترام عمیق به خورخه‌لوتیس بورخس بزرگ، بی‌هیچ توضیحی!

شهریار

شهریار
SHAHRAHNEWS.IR
۲۳ شنبه
۲۱ خرداد ۱۴۰۲
۲۳ دی ماه ۱۳۹۵
شماره ۲۲۲۲

۱۰



فرهنگ و ادبیات

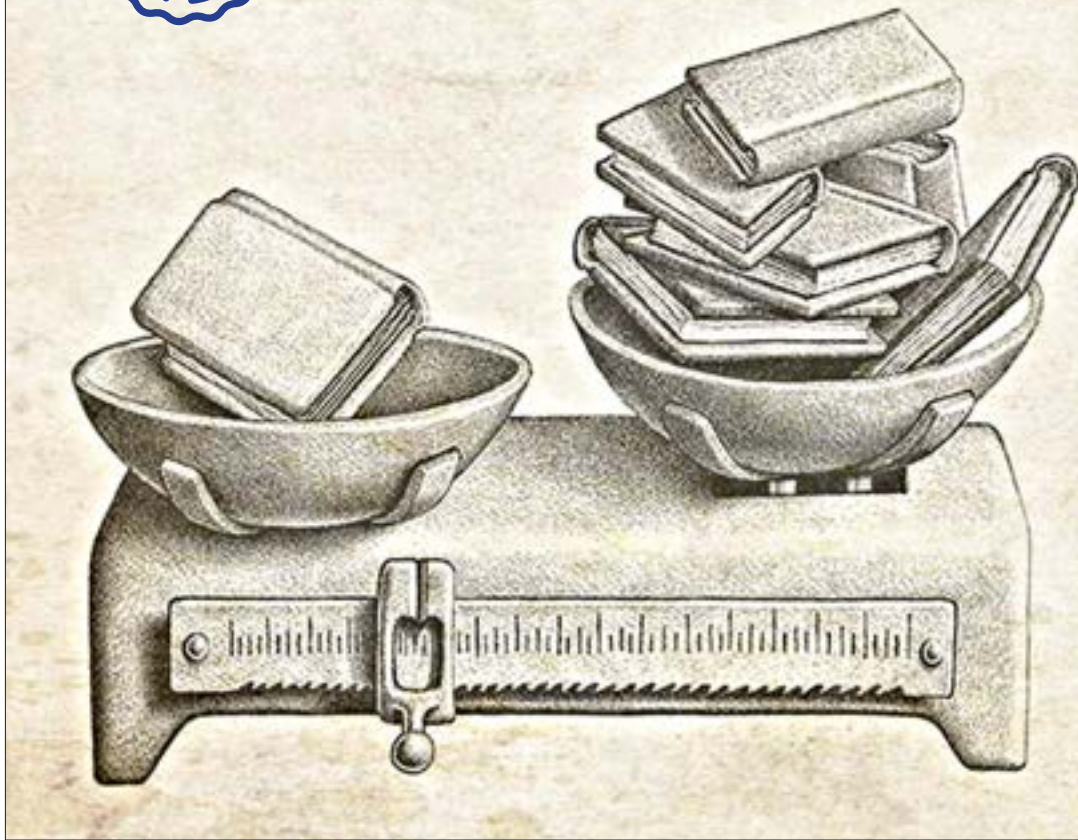
کلید نوشتن این است که نباید فکر کرد، تا الهام گرفتن قطع نشود. امتحانش کن! شروع به نوشتن کن، حالا! در این باره سه قاعده وجود دارد: ۱- ده دقیقه، بدون

مدخل

توقف و ترجیحاً با دست، بنویس. خود را رها کن! ۲- فکر نکن؛ اگر آدم زیاد فکر کند، فوراً دست از نوشتن برمی‌دارد. ۳- چیزهایی را که نوشته‌ای کنترل نکن، اشتباهات املایی

ناشران از عوامل دخیل در قیمت‌گذاری تولیدات خود می‌گویند

قیمت‌گذاری کتاب چه حساب و کتابی دارد؟



طرح: Paolo D'Almeida

بهای تمام‌شده کتاب حاصل مجموع هزینه‌هایی است که برای تولید کتاب صرف شده. اما قیمت پشت جلد کتاب این مبلغ به علاوه سودی است که ناشر برای خودش و دیگران در نظر می‌گیرد. این سود بخش بر سه می‌شود؛ سهم پخش‌کننده، سهم ناشر، سهم مؤلف یا مترجم. از این مقدار، ۵۰ درصد به نهاد توزیع می‌رسد، ۴۰ درصد به ناشر، ۱۰ درصد هم به مؤلف یا مترجم. اما از سهم ۴۰ درصدی ناشر بخشی هزینه چاپ، شامل کاغذ، رزینک و چاپخانه می‌شود. بخشی به هزینه‌های سربار ناشر، مثل حقوق نیروی انسانی، اختصاص می‌یابد و تنها بخش کوچکی به ناشر می‌رسد که آن هم سال به سال کمتر و کمتر می‌شود. «

چاپ، شامل کاغذ، رزینک و چاپخانه می‌شود. بخشی به هزینه‌های سربار ناشر، مثل حقوق نیروی انسانی، اختصاص می‌یابد و تنها بخش کوچکی به ناشر می‌رسد که آن هم سال به سال کمتر و کمتر می‌شود. «او یک راهکار عملی برای کاهش قیمت پشت جلد را چنین شرح می‌دهد: «از آنجا که بیشترین سهم، یعنی ۵۰ درصد قیمت نهایی کتاب، از آن پخش‌کننده است، اگر ناشر موفق شود با مصرف‌کننده ارتباط مستقیم برقرار سازد، مثلاً کتاب را اینترنتی تبلیغ کند و خودش مستقیماً برای مخاطب بفروشد، می‌تواند قدری از این سهم را برای خودش بردارد. فروش مجازی کتاب، حتی اگر هزینه ارسال را هم خود ناشر متقبل شود، باز هم سود بیشتری برای او دارد. حداقل ۳۰ درصد بیشتر. نمایشگاه حضوری و مجازی کتاب، که در آن هزینه ارسال را هم خود متولیان برگزاری برعهده می‌گیرند، نمونه خوبی هستند. با وجود این، هیچ‌گاه نمی‌شود پخش‌کننده را، که در ایران بسیار ریشه‌دار است، حذف کرد.»

[این گزارش برداشتی است از گزارش خبرگزاری «ایبنا»، که با افزودن‌هایی همراه شده است.]

دست‌اول تخفیف می‌دهیم که این درصد را هم در قیمت‌گذاری کتاب لحاظ می‌کنیم. خواب سرمایه تولیدکننده هم هست. کتاب، از زمانی که تولید می‌شود تا زمانی که به فروش می‌رسد، یک هزینه سرمایه می‌برد که بسته به نوع آن متفاوت است؛ یک کتاب ممکن است یک سال زمان ببرد تا فروش برود و یک کتاب دیگر یک ماه.»

جوکار صحبت‌هایش را این‌طور جمع‌بندی می‌کند: «هزینه خواب سرمایه در کتاب‌های چاپ نخست چندان مشخص نیست، چون نمی‌دانیم که بفروش خواهد شد یا نه. اما، به هر حال، این هزینه‌ها سال به سال افزایش پیدا می‌کند و، به تبع، ناشر هم، ناگزیر، این مسئله را در قیمت‌گذاری در نظر می‌گیرد. با این تفصیلات، ماسعی می‌کنیم، تا آنجا که امکان دارد، زود به زود این افزایش را اعمال نکنیم، یعنی زمانی که به یک قیمت عرفی می‌رسیم، معمولاً، حداقل ۲ تا ۶ ماه و حداکثر یک سال، بر همان اساس کتاب‌ها را قیمت‌گذاری می‌کنیم، درحالی‌که قیمت کاغذ و رزینک ... و لحظه‌ای تغییر می‌کند. در هر صورت، لازم است که در بازار نشر به یک تعادل برسیم و با عرف قیمتی پیش برویم تا با دیگر همکاران ناشر هم هماهنگ باشیم.»

● ناشر چقدر سهم می‌برد؟

محمد مهدی ایزدخواه، مدیرعامل انتشارات «ترجمان» در قیمت‌گذاری کتاب صورت‌بندی دیگری ارائه می‌کند: «بهای تمام‌شده کتاب با قیمت پشت جلد کتاب تفاوت دارد؛

عرضه آن در قالب‌های الکترونیکی یا صوتی می‌داند، اما یادآور می‌شود که «همیشه و در همه جای دنیا، نسخه کاغذی کتاب ارزشمندترین و پُراستقبال‌ترین نوع کتاب است.»

● مهم این است که واسطه‌ها چقدر تخفیف می‌خواهند

محمد هادی جوکار، مدیر انتشارات «کتابستان»، هم مانند همکار خود موارد مختلفی را در قیمت‌گذاری کتاب دخیل می‌داند و توضیح می‌دهد: «مؤلفه‌های زیادی در بهای تمام‌شده کتاب مؤثر هستند و نمی‌توانیم یک یا دو مؤلفه را بشماریم و تعیین کنیم که کدام یک تأثیر بیشتری بر قیمت نهایی دارد؛ با این حال، چندان‌ا از این مؤلفه‌ها را می‌توان برجسته‌تر دانست؛ هزینه مواد اولیه تولید کتاب (از جمله کاغذ متن و جلد، و رزینک که همیشه نوسان قیمت دارند و باید ببینیم در زمان تولید کتاب آن‌ها را با چه قیمتی خریداری‌ام)، هزینه خدمات (از جمله چاپ و صحافی)، و دیگر هزینه‌های ستاد (از جمله حق تألیف یا ترجمه یا خرید امتیاز کتاب، صفحه‌آرایی، طراحی جلد، و دستمزد نیروی انسانی انتشارات.»

مدیر انتشارات «کتابستان» می‌گوید با در نظر گرفتن همه این هزینه‌هاست که به یک عدد مطابق با عرف می‌رسیم و تصمیم می‌گیریم کتاب را صفحه‌ای فلان قدر قیمت‌گذاری کنیم و با فلان درصد تخفیف به توزیع‌کننده هابدهیم. جوکار، بر خلاف رضانیامعلم، معتقد است مسئله توزیع در افزایش بهای کتاب مؤثرتر است: «ما تقریباً بین ۲۵ تا ۴۰ درصد به توزیع‌کننده‌های

● حرف آخر؛ اغلب، قیمت کاغذ می‌زند

ایاد رضانیا معلم، مدیرمسئول انتشارات «کتاب کوله‌پشتی»، مهم‌ترین مؤلفه‌های هزینه‌های چاپ کتاب را این‌ها می‌داند؛ رقم قرارداد یا هزینه دستمزد مؤلف یا مترجم، هزینه کاغذ، مقوای جلد کتاب، صحافی، چاپ، ویرایش، هزینه حقوق و دستمزد کارکنان دفتر نشر، و هزینه انبارداری. او معتقد است که در این قضیه ناشر ابتکار عمل را در اختیار ندارد که بتواند هزینه‌ها را کنترل و مدیریت کند و می‌گوید: «در تعیین قیمت کتاب، همه چیز به شرایط بازار بستگی دارد. مثل قیمت کاغذ که از دست ما خارج است. گرانی کتاب، عمدتاً، متأثر از قیمت کاغذ است. در حال حاضر، قیمت کاغذ با قیمت دلار نوسان پیدا می‌کند. طی چهار-پنج سال اخیر، قیمت کاغذ چهار-پنج برابر شده و به‌طور طبیعی قیمت کتاب هم به همین نسبت افزایش می‌یابد.»

مدیرمسئول انتشارات «کتاب کوله‌پشتی»، در پاسخ به اینکه وضعیت اقتصادی مخاطب در تعیین قیمت پشت جلد کتاب اثر دارد یا نه، می‌گوید: «خود ما ناشرها، وقتی می‌بینیم مخاطب آن کتابی را که قبلاً صفحه‌ای ۴۰ تومان قیمت‌گذاری و عرضه می‌شده حالا باید حداقل صفحه‌ای ۸۰۰ تومان خریداری کند، ناراحت می‌شویم؛ به همین دلیل، ما، با وجود اینکه برخی همکاران، بسته به شرایط، قیمت برگ کتاب را تا ۱۰۰۰ تومان هم تعیین می‌کنند، میانگین قیمت هر صفحه را ۸۰۰ تومان قرار داده‌ایم.» رضانیامعلم راهکار ساماندهی و مدیریت قیمت کتاب را تولید و



میراث خراسان

رادمنش| وقتی هفت-هشت سال پیش -یعنی در سال ۲۰۱۶- دولت انگلیس «وزارتخانه تنهایی» را تأسیس و وزیری برای رسیدگی به امور تنهاییان و منزویان معرفی کرد، در واقع این نوک کوه یخ بود که بیرون زد.

تنهایی موضوع و مسئله‌ای تازه نبوده و نیست؛ حرفه‌ای است تاریک، زنگارگرفته و قدیمی در جان بنی‌بشر که هیچ‌گاه از آن رهایی نداشته است. «وزارتخانه تنهایی» فقط نشانه‌ای است از تسلیم در برابر واقعیت وجود آن و به رسمیت شناختنش. گرچه تنهایی را جدام قرن بیست و یکم لقب داده‌اند که از آن زخم‌هایی است که مثل خوره در انزوا روح را آهسته می‌خورد و می‌تراشد. اما کهنه‌دردی است التیام‌نیافتنی که همیشه از آن نالیده‌ایم؛ آن‌چنان که مولانا گفت: «از نیستان تا مرابریده‌اند / از نفیرم مردوزن نالیده‌اند» یا آن‌چنان که حافظ: «دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همدمی».

بن میجوسکویچ در کتاب «تنهایی در فلسفه، روان‌شناسی و ادبیات» رد این مفهوم را از اسطوره‌های یونان تا دوران معاصر پی‌گرفته و به ما یادآوری می‌کند که تنهایی وضعیتی اجتناب‌ناپذیر از انسان بودن است و کفاره آگاهی. در سطرهای آغازین فصل اول کتاب، موضعش را در این باره به‌صراحت بیان می‌کند؛

درباره کتاب «تنهایی در فلسفه، روان‌شناسی و ادبیات» نوشته بن میجوسکویچ

دل ز تنهایی به جان آمد...

یالوم، که خودش در مهم‌ترین اثرش، «روان‌درمانی اگزستانسیالی»، به‌طور مبسوط به مبحث تنهایی پرداخته، درباره کتاب بن میجوسکویچ نوشته است: «کتاب میجوسکویچ کمکی نظرورزانه و برانگیزاننده به حوزه‌ای مطالعاتی است که تاکنون نادیده گرفته شده است؛ تنهایی، تقریر او از ریشه‌های فلسفی تنهایی برای درمان‌گران و همچنین فیلسوفان، پربره‌ر است. این کتاب را به همه کسانی که به حوزه روان‌درمانی وجودی علاقه‌مندند، توصیه می‌کنم.»

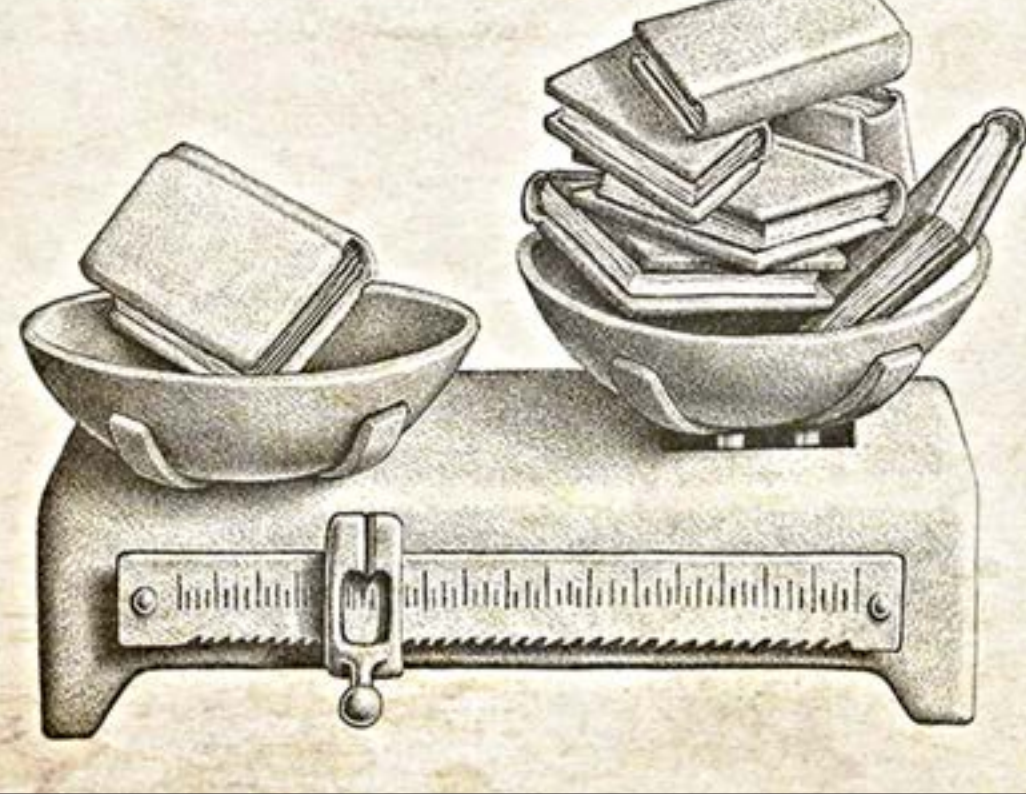
● درباره نویسنده

بنا بر آنچه در کتاب درباره مؤلف آمده، بن میجوسکویچ که دکتری فلسفه و فوق‌لیسانس ادبیات تطبیقی دارد، در پارتمان‌های فلسفه و علوم انسانی دانشگاه ایالتی کالیفرنیا تدریس می‌کند و تمرکز ویژه‌ای بر تنهایی دارد. از اوقات‌کنون سه کتاب و مقالات بسیاری در نشریات معتبر منتشر شده است. او همچنین درمانگر بالینی

و دستوری داشته باش، چرت و پرت بنویس!

دورس دوریه، «دعوت به نوشتن» (ترجمه مهشید میرمعزی)

بخش اول



طرح: Paolo D'Almeida

می‌خواند / گندم بریان می‌کند در اجاق کورش / از خرمن طلایی بال می‌گشاید کلاغی مبهم / تابستان است / پدر / حرکت کلاغ را دنبال می‌کند در هوا

جواد کلیدری

است و ۲۵ سال با افرادی کار کرده که مبتلا به برخی اختلالات جدی روانی بوده‌اند و آنچه در این کتاب آورده برخاسته از مطالعات نظری و تجربه‌های عملی‌اش است.



«تنهایی در فلسفه، روان‌شناسی و ادبیات»، نوشته بن میجوسکویچ، ترجمه حسین گلشاهی، انتشارات نگاه، ۳۴۴ صفحه، ۳۲۵ هزار تومان.